

تربیت دینی کودکان



اداره کل آموزش و پرورش
استان بوشهر

آیین سرو، آیین قیام است و گنجینه پیام.
همه پدیده‌ها پاکند، و همه آفریده‌ها
تابناک؛ اما رنگین کمان از همه پاکتر و تابناکتر
است، زیرا خضوع و رکوع را تجسم می‌بخشد،
و سرود طلوع را ترنم می‌کند.
همه طبیعت خوب است و همه خلقت
محبوب، اما کوه - مظهر شکوه - از همه خوبتر و
محبوب‌تر است؛ زیرا در محراب آب و آفتاب
خاضعانه سر بر سجده تراب نهاده، سجود را
تبلور می‌بخشد، و وجود را تذکر می‌دهد.
آسمان فراتر است و زمین فروتر، آسمان
آذرنگ است و زمین تیره رنگ؛ اما آنگاه که
آیینه‌داران آفتاب از مشرق محراب می‌دمند، و
نمازگزاران پاکباز سربردگه بی‌نیاز می‌سایند،

« یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً »
(سوره تحریم، آیه ۶)
« ای ایمان آورندگان، خود و اهل خانواده
خود را از آتش جهنم دور نگهدارید. »

برخیز که راه صبح‌رآباز کنیم
تا شهر قشنگ نورپرواز کنیم
تا خون نشسته بر بلندای شفق
برخیز که تا نماز آغاز کنیم

هر درختی زیباست، و هر گل و سبزه‌ای
فریبا؛ اما سرو زیباتر است و سپیدار فریباتر.

آسمان بر زمین رشک می‌برد، و از حسرت اشک می‌بارد.

رُخ روز روشن است و شبح شب چون اهریمن، روز چشمه نور است و شب با چشم کور؛ اما آنگاه که شبم اشک نمازگزاران دامن شب را ستاره باران می‌کند، شب نهرهای نور می‌نوشد، و بر روز فخر می‌فروشد.

نماز، خروش دریای درون است در گوش دنیای برون.

نماز، جوشش چشمه شوق است و پوشش طریق عشق.

نماز، فریاد رهایی وجود است از وضع موجود. رهایی از زمین است و تنهایی در زمان.

نماز، ناله زندانی خاک است در فراق شادمانی افلاک.

نماز، شعر بلند رهایی است از محبس و قفس تنهایی.

نماز، شکوفایی شوق پرواز است به سوی ملکوت راز.

نماز، لاگفتن است و زلال شکفتن.

نماز، پستی است از رنگین کمان تابناک، افراشته از خاک تا افلاک.

نماز، پروازی است از شاخه شور بر بلندای شعور.

نماز، شعله شوق جنان است از آتشفشان جان.

نماز، تجلی سایه روشن وصال است در آسمان خیال.

نماز، پیوستن قطره‌هاست به دریا، و اتصال ذره‌هاست به بی‌انتها.

نماز، روزنه‌ای است به خلوت خورشید، و پنجره‌ای است به جلوت نور امید.

نماز، تجلی روح «تنها»ست و تسلی قلب

ناشکیبا.

نماز، پنجره‌ای است از برهوت تنهایی به ملکوت خدایی.

نماز، پشت پازدن به دنیاست و دست شستن از مافیها.

نماز، حضور در محضر محبوب است و سر نهادن بر آستان حبیب.

نماز، فرو ریختن علقه‌های دنیاست و آویختن بر حلقه‌های عروة الوثقی.

نماز، بریدن بندهای زمینی و پیوندهای زمانی است. گسستن از زمین است و پیوستن به آسمان.

نماز، رویدن از شاخه خزان است و پویدن دشت زمان.

نماز، کسندن دل از گِل است، و آکندن جان از ایمان.

نماز، هجرت است از تنگنای تیره دنیا به سرزمین سبز رؤیا.

نماز، پریدن است از شاخه غربت به آسمان الفت.

نماز، سفر است از صحرای سرد سراب به سرزمین آب و آفتاب.

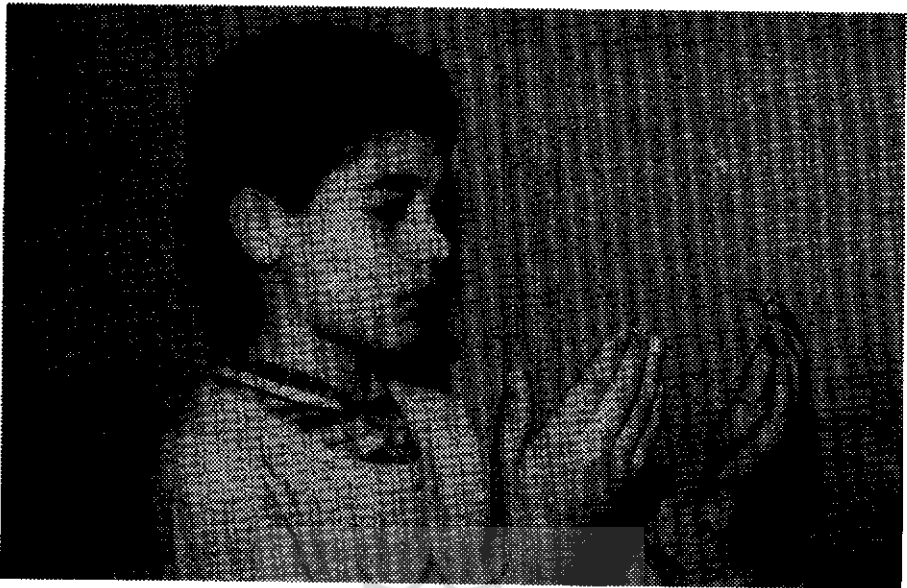
نماز، گریز است از فضای حباب به هوای احباب.

نماز، دریچه‌ای است به تماشا، و پنجره‌ای است به سوی خدا.

نماز، دل نهادن بر موج است و تماشا از اوج. نماز، پرواز است از فریب سراب به زیستگاه زلال عقاب.

نماز، تنفس در هوای عطر آگین ملکوتی است و تقدس در فضای مشکین لاهوتی.

نماز، نوشیدن جرعه‌ای از زلال نور است و پوشیدن جبه‌ای از ثیاب سرور.



نماز، کلید بهشت است و امید به سرنوشت.
 نماز، ستون دین است و استوانهٔ آیین.
 نماز، گسستن طوق علایق است و پیوستن به شوق شقایق.
 نماز، غزال غزل آفرینش است و جمال جمیل بینش.
 نماز، سلم و سلام است و پرچم اسلام.
 نماز، شکفتن اندیشه است و سبز شدن از ریشه.
 نماز، ارزش تربیت در خردسالی
 پویایی اندیشه، رهین رویدن از ریشه است.
 خوبی که از نخست کسی رابه سرنشست
 او را هماره تا به دم مرگ در سراسر
 انسان از پگاه حیات تا شامگاه ممات در
 حال آموختن است و تجربه اندوختن؛ امانقشی
 که در سنین کودکی بر صحیفهٔ سینه و صفحهٔ پاک
 این آئینه می نگارند، تا واپسین دم حیات
 قرین جان و همنشین روان است. حکیمان،
 دانش آموختن در سنین کودکی را چون نقش
 مستحکم در برابر یورش شیطان.

آفرینی بر سنگ دانسته‌اند.^۱

دشت کوبری باور کودک تشنه است. هم زلال آب رامی نوشد و هم ضلال سراب را. بعضی براین گمانند که کار تربیت همزمان با تعلیم و تحصیلات رسمی آغاز می‌شود، درحالی که در اسلام تربیت کودک نه تنها از اولین روز تولد، که قبل از تولد و حتی قبل از ازدواج آغاز می‌گردد. روایات اسلامی تربیت نسلی سالم و سعادت‌مند را از گزینش همسر آغاز می‌کند. تربیت پس از تولد با گفتن اذان و اقامه در گوش کودک شروع شده، با مراسم تحنیک (کام گرفتن)، تراشیدن سر و تصدق، تسمیه و نامگذاری، ختنه، ولیمه و عقیقه و دیگر سنن اسلامی ادامه می‌یابد. اسلام در نحوه شیردادن و مدت آن نیز تربیت و سلامت روحی و جسمی انسان را مدنظر دارد.

امام علی (ع) به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: "قلب کودک مانند زمین بی‌گیاه است، هرچه بر او عرضه شود می‌پذیرد. به همین جهت من پیش از اینکه قلب تو سخت شود و دلت مشغول گردد، به تأدیب تو اقدام نمودم."^۲

امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: "بادروا اولادکم بالحديث قبل ان يسبق اليهم المرجئه"^۳

"فرزندانتان را با مسائل دین آشنا کنید، پیش از آنکه عوامل گمراه کننده بر آنان چیره شوند." ابن سینا در کتاب "سیاست" در این مورد می‌گوید: "وقتی طفل از شیر مادر جداگشت، باید به تربیت و تمرین اخلاقی او اقدام نمود، پیش از آنکه اخلاق پست به او هجوم آورد، زیرا اخلاق پست با سرعت به کودک سرایت می‌کند. پس اگر خلق زشتی در طفل پیدا شد و بر او چیره گشت، از میان بردن آن دشوار است."

هرکه در خریدش ادب نکنند

دربزرگی فلاح از او برخاست

چوب تر را چنانکه خواهی بیچ

نشود خشک جز به آتش راست

تربیتی که با شیر اندرون شود با جان به در می‌رود:

خوبی که به شیر در بدن رفت

آن دم برود که جان زتن رفت

اندیشمندان و مریبان بزرگ مسلمان در باره

اهمیت و ارزش تربیت در خردسالی و کودکی

چه نکته‌ها که نگفته‌اند و چه گوهرهای سخن

که نسفته‌اند. غزالی می‌گوید:

"بدان که کودک امامتی است در دست مادر

و پدر، و آن دل پاک وی چون گوهری است

نفیس. و نقش‌پذیر است چون موم و از همه

نقشها خالی است. چون زمینی پاک است که هر

تخم که در وی افکنی، برود. اگر تخم

خیرافکنی به سعادت دین و دنیا برسد و مادر و

پدر و استاد در آن ثواب شریک باشند، و اگر

برخلاف این باشد، بدبخت شود و ایشان در

هرچه بروی رود شریک باشند."^۴

گذشته از احادیث گرانقدر پیشوایان

معصوم (ع) و نظریات متفکران مسلمان درباره

اهمیت تربیت انسان در سنین کودکی، توجه به

کودک در قرن معاصر نیز فزونی یافته است.

ماریامونتسوری می‌گوید: "مهم‌ترین شاخص

تربیت جدید، احترام به شخصیت کودک

می‌باشد، در آن حد که تاپیش از آن سابقه

نداشته است.

گزل (GESELL) در این باره گوید: "کودک در

پنج سالگی نسخه کوچک شخص جوانی است

که بعداً خواهد شد."

جالب اینجاست که غرب قرن‌ها پس از ما به

تربیت عبادی فرزندانشان چونان آموختن شنا به ماهی است!! پیامبر اکرم (ص) می فرماید:
 "کل مولود یولد علی الفطرة حتی تکون ابواه یهودانه و ینصرانه"

هر نوزادی به فطرت (اسلام و توحید) متولد می شود، آنگاه پدر و مادر او را به یهودیت و نصرانیت گرایش می دهند و از راه فطرت منحرف می سازند.

غریزه تقلید یکی از غرایز نیرومند و ریشه دار انسان است. اگر این غریزه نبود کودک چگونه می توانست بسیاری از رسوم زندگی، آداب معاشرت، غذا خوردن، لباس پوشیدن، طرز سخن گفتن، ادای کلمات و جملات و... را فراگیرد؟ چشم و گوش برای کودک چونان دریچه ای است که به طور مستمر می بیند، می شنود و ذهنش همانند آینه از مشاهدات خود عکس می گیرد و ضبط می کند. کودک برای ساختن شخصیت خود نیاز به الگو و اسوه دارد. حتی خداوند برای رشد و تربیت انسان این روش را اعمال کرده است. ارائه الگو و اسوه مؤثرترین و موفق ترین روش تربیتی است. خداوند، رسول گرامی اسلام (ص) را به عنوان بهترین سرمشق برای نسل بشر معرفی می کند: "لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة" همانا رسول خدا برای شما سرمشق نیکویی است.^۵

تقلید در تعلیم و تربیت و سازندگی از پند و اندرز بیشتر اثر دارد. تقلید خود به خود انجام می گیرد و نیاز به تذکر ندارد. مادر و پدر می توانند با رفتار خود خصلت های امانت، صداقت، شجاعت و شهامت، وفای به عهد، حق جویی و صراحت و... را در کودک احیا کنند، و یا آنها را از بین ببرند! والدین می توانند زمینه

اهمیت تربیت در دوران کودکی پی برد، لذا برای جبران این غفلت فعالیت خود را در این زمینه شدت بخشید، ولی مشرق زمین - به رغم غرب - در همه زمینه ها از جمله در زمینه تربیت کودک دچار رکود و ایستایی شد. مثلاً در انگلستان در سال ۱۹۵۳ (۴۳ سال پیش)، ۱۹۶۰ عنوان کتاب تازه برای بچه ها نوشته شد. در سال بعد این رقم از ۲۳۰۰ عنوان هم تجاوز کرد.

از سال ۱۹۳۴ تا ۱۹۵۴ (ظرف ۲۰ سال) در روسیه ۴۵۰۰ نویسنده برای بچه ها کتاب نوشته اند، و یک میلیارد نسخه از آنها به فروش رفته است. فقط در سال ۱۹۵۴ در روسیه ۱۱۶۵۲۰۰۰ جلد کتاب کودکان به فروش رفته و یک سال بعد این رقم به ۱۳ میلیون رسیده است، در حالی که در سال ۱۳۵۱ (۲۴ سال پیش) از ۱۳ ناشر تهرانی فقط ۶۴۵ کتاب ویژه کودکان منتشر شده است.

امید است که مسائل کلان کشور و جامعه به ما اجازه بدهد که برای مسائل دنیای کودک - و تربیت او - بیشتر اهمیت قائل شویم و همّت بگماریم، زیرا مسأله ای کلان تر و مهم تر از آن نداریم!

مسئولیت خانواده در تربیت دینی فرزندان
 نماز، جوشش چشمه فطرت است و تراوش زلال الوهیت. اگر تشکّل تربیتی خانواده ای فطری و طبیعی باشد، نونهالان چنین خانواده ای نیاموخته، اهل نماز می شوند. چیزی که نیاز به آموختن دارد، فصول نماز است، نه اصول آن. خانواده هایی که آرزو دارند فرزندان صالح، راستگو، معتقد و اهل نماز و عبادت داشته باشند، باید خود چنین باشند. وقتی خانواده ای خود از "مقیمین صلات" باشند،



می‌دهم. والدین و آموزگاران و مربیان نمی‌توانند تنها با توسل به گفتار، کودکان و شاگردان خود را به رفتار نیک رهنمون گردند، مگر آنکه با رفتار و عمل، گفتار خود را تأیید کنند. امام صادق (ع) می‌فرماید: "کونوا دعساء للناس باعمالکم ولا تکنوا دعاء بالسنتکم، مردم را با رفتار و عمل خود به حق رهبری کنید، نه با زبان خویش".

امیرالمؤمنین علی (ع) فرمود: "اگر درصدد اصلاح دیگران هستی، نخست خود را اصلاح کن. این عیب بزرگی است که به اصلاح و تربیت دیگران بردازی در حالی که خود فاسد باشی." قرآن این حقیقت را به زیباترین لفظ و معنی بیان می‌کند:

"یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون" "ای ایمان آورندگان، چرا می‌گویید آنچه را که عمل نمی‌کنید؟"^۷

خانواده بهترین محیط برای کودک است.

را برای هدایت فطری کودک فراهم سازند، و یا موجب انحراف او شوند.

غریزه تقلید در همهٔ عمر کم و بیش قرین و هم‌نشین انسان است؛ اما در سنین بین یک سالگی تا پنج و شش سالگی بیشتر از این غریزه برخوردار است. کودک تا مدتی از بار ارزشی یا ضد ارزشی امور و کارها چندان آگاهی ندارد و نمی‌تواند برای کارهای خود هدفهای خردمندانه و درستی بیابد. در این مدت تنها ملاک و معیار ارزشی بودن کارها در نظر او رفتار پدر و مادر و آموزگار است. کودک رفتار و کردار و گفتار آنان را می‌نگرد و تقلید می‌کند.

خانواده و مربیان باید از این غریزه مفید کمال بهره را بگیرند و تربیت دینی از جمله اقامهٔ نماز را از این طریق به کودک بیاموزند. همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) اسوه والگویی نسل بشر این گونه آموخت: "صلوا کما رایتُمونی اصلی" همان‌گونه نماز گزارید که من انجام

را تباه ساخته است.»

پرورش فرزند صالح در خانوادهٔ صالح و مصلح از همان ابتدای تولد آغاز می‌شود. نوزاد معانی و مفاهیم کلمات را نمی‌فهمد، ولی آنها را می‌شنود و می‌بیند و اعصاب و مغزش از آنها اثر می‌پذیرد. کودک تدریجاً با آنچه دیده و شنیده است مأنوس و آشنا می‌گردد، و همین آشنایی در آیندهٔ او مؤثر است. روش تربیت کودک در خردسالی به صورت آموزش رسمی نیست، و تکلیف منظم و شاقی بر او تحمیل نمی‌شود. برنامه‌های تربیتی در هفت سال اول غیر محسوس و غیر رسمی است و باید صرفاً در خانواده انجام شود، نه در کودکستان. زیرا برنامهٔ رسمی، طفل را مقید و محدود می‌کند، که این امر مخالف با اصول تربیتی اسلام است. طفل باید آزاد باشد، ولی لازم است نحوهٔ صحیح استفاده از آزادی را فراگیرد. برخورداری از آزادی مستلزم رعایت آزادی و حرمت دیگران است.



ارتباط بین کودک و والدین در خانواده نیرومندترین ارتباطهاست. ارضای تمایلات باطنی و فطری کودک و رشد ابعاد گوناگون شخصیت او فقط در آغوش گرم و پرمهر خانواده میسر است. هیچ مهدکودک و کودکستانی نمی‌تواند جای خانواده را بگیرد. در کتاب "الارشاد و التعلیم" نوشتهٔ برخی از صوفیان مسلمان می‌خوانیم:

"کودک آینهٔ تمام نمای خانوادهٔ خویش است که هر خوبی و بدی یا آنچه را در آنجا می‌بیند و می‌شنود در خود منعکس می‌سازد. از این رو کوشش مادران در پرورش فرزندان از بزرگترین کارهاست. هر کس به دارایی خود بپردازد، ولی فرزندش را پرورش ندهد، هر دو

تربیت اسلامی - انسانی فرزند از اهمّ مسؤولیت‌های پدر و مادر است. امام علی (ع) خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید:

«من تو را بخشی از وجود خود، بلکه تمام وجود خویش یافتم، تا بدانجا که اگر برای تو پیش آمدی می‌شد، گویی برای من پیش آمد شده است و اگر مرگ به سراغ تو می‌آمد، گویی به سراغ من آمده است. از این رو نسبت به کارهایت همان‌گونه مراقبت داشتیم که به کارهای خویش توجه می‌نمودم.»^۸

امام سجّاد (ع) در بارهٔ رسالت و مسؤولیت پدر در تربیت فرزند می‌فرماید:

«حقّ فرزندان بر تو این است که بدانی او قسمتی از وجود توست و در خیر و شرّ دنیا به

صحیح قادر می‌شود رفتارهای هنجار و ناهنجار را به خوبی از هم بازشناسد. او به همانندسازی گرایش دارد، و اگر والدین او دارای رفتارهای پسندیده‌ای باشند، به خوبی الگو و اسوه حسنه او قرار می‌گیرند. کودک در این سنین شخصیت خود را می‌یابد. دارای نظریه و رأی می‌شود و می‌خواهد حرف و رأی خود را به کرسی بنشانند. احساس مذهبی در او قوی و آشکار می‌شود. عنصر «خداشناسی» و «مذهب گرایی» که فطرت‌آدر او به صورت خفته بود به تدریج جلوه‌گر شده، بروز می‌کند. او دوست دارد چون پدر و مادر نماز بخواند. سحرگهان ماه مبارک رمضان برخیزد، سحری بخورد و حتی احیاناً با وجود مخالفت والدین و مریبان می‌خواهد روزه بگیرد.

والدین و مریبان دلسوز باید به این ندهای زلال فطرت لیبک بگویند، و برای هر احساس نیازی پاسخ مناسبی بیابند و هیچ فرصتی را از دست ندهند. میل خداخواهی زلالی است که از چشمه فطرت او می‌جوشد. اگر مریبان و پدر و مادر آگاهانه سیل خروشان و زلال گرایش‌های فطری کودک را به مسیر درست هدایت کنند، می‌توانند از او انسانی متعهد، دین‌باور و سالم بسازند. او در آسمان خیال پاک خود خدا را چونان پدری مهربان می‌بیند که می‌تواند به راحتی سر بردامان صمیمی او نهاده، راز دل بگوید و نیاز بجوید. ایمان او ابتدایی است، ولی به طراوت سبزه‌ها و جوانه‌ها و به لطافت برگ‌ها و گلبرگ‌هاست. عطرایمان به خدا در فضای باورش پراکنده و مشام خاطرش را آکنده است. این خود آگاهی و خدا خواهی فطری می‌تواند پلی مناسب و فرصتی متناسب برای ورود به دنیای عطرآگین عبادت و عبودیت باشد.

تو پیوند دارد. تو در تربیت و آداب‌آموزی و خداشناسی او مسؤولیت داری. بایستی او را در محبت خدا و اطاعت او کمک کرده، وسایل ایمان و پاکی او را فراهم سازی. عمل تو در باره او مانند کسی باشد که یقین دارد اگر در این راه کمترین زحمتی به خود دهد پاداش کافی دارد و اگر کمترین کوتاهی کند، مورد مؤاخذه و ملامت و مجازات قرار خواهد گرفت. پس در انجام آموزش همچون کسی باش که کارهای نیکوی او در دنیا آراسته می‌شود تا به خوب اقدام کردن خود در باره او نزد پروردگارش مصون باشی.»

پدر و مادر باید پا به پای آموزش نماز، تلاوت و درک و فهم قرآن را نیز به کودک بیاموزند. تربیت دینی و مذهبی کودک به طور اعم و آموزش نماز و ایجاد عادت به آن باید منطبق با ویژگی‌های سنی او باشد. کودک تا سه سالگی موجودی وابسته و تلقین‌پذیر است. او مستمراً بدون درک مفاهیم، از هر منظره و نقشی عکس می‌گیرد و هر صدایی را ضبط می‌کند. از ماه چهارم تولد توان تقلید می‌یابد و لذا تصویری از اعمال عبادی والدین در ذهن او نقش می‌بندد، و آمادگی تقلید عملی پیدا می‌کند. از سال چهارم میل به کنجکاو و کاوش در او رشد می‌یابد. نسبت به هر رفتاری حساس می‌شود و از هر مؤثری تأثیر می‌پذیرد. گرایش شدید به آموختن پیدا می‌کند. حافظه‌اش نیرومند و حس تقلیدش قوی می‌شود. به والدین شدیداً عشق می‌ورزد و به دنبال یافتن الگوهاست. از هر کس محبتی ببیند به او اطمینان می‌کند و هر سخنی را از او می‌پذیرد. کودک در حدود هفت‌سالگی به سن تمیز می‌رسد. جنسیت را می‌شناسد. وجدانش بیدار شده، در صورت بهره‌گیری از تربیت

قهرمان توحید- از خدا می‌خواهیم :
 "رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریتی ربنا و تقبل
 دعاء"

در محضر دوست جز مطهر نروند
 باقلب سیاه و دامن تر نروند
 باید تن و جان شست، وضو یعنی این
 با یک دل و با عشق دودلبر نروند
 "شعر از: شفیعی مطهر"

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- میزان العمل، صفحه ۳۸
- ۲- وسائل الشیعه، جلد ۱۵، صفحه ۱۹۷
- ۳- کافی، جلد ۶، صفحه ۴۷
- ۴- کیمیای سعادت، جلد ۲، صفحه ۲۷
- ۵- البته نظریه مونتسوری در باره غرب صدق می‌کند، زیرا قبلاً نشان دادیم که توجه به کودک در منابع اصیل و قدیمی اسلامی به وفور یافت می‌شود و نمونه‌هایی نیز ذکر کردیم. تا قرن ۱۸ آموزش و پرورش در غرب یک بُعد بیشتر نداشت و آن این بود که فقط باید معلومات را به شاگردان انتقال داد. می‌گفتند مهم درس دادن و امتحان معلومات است، بنابراین قطب اصلی "معلم مداری" بود. پس از روسو آموزش و پرورش قطب دیگری پیدا کرد و آن شاگرد(کودک) بود.
- ۶- سورة احزاب، آیه ۲۱
- ۷- غررالحکم، صفحه ۲۷۸
- ۸- سورة صف، آیه ۲

اگر پدر و مادر بتوانند الگوهای مطلوب و اسوه‌هایی محبوب برای کودک باشند؛ قادر خواهند بود رسالت اسلامی - انسانی خود را در تکوین شخصیت فرزند خویش به خوبی انجام دهند. روایات اسلامی همین سن را مناسب‌ترین زمان برای ایجاد عادت به نماز خواندن دانسته‌اند، امام صادق(ع) می‌فرمود:
 "ما فرزندان خود را در این سن برای سحری خوردن در ماه رمضان بیدار می‌کنیم. نه برای روزه گرفتن، بلکه برای مانوس کردن او با خلوت شب، انس‌گیری با سحر و آشنایی با ذکر و عبادت و ارتباط با خدا."

کودک در سنین ۹-۷ سالگی علاوه بر ویژگی‌های قبلی (تقلید، تلقین‌پذیری، همانندسازی و...) قیود و اوامر و نواهی را نیز پذیرا می‌شود. شدیداً تشویق و تهدید را می‌پذیرد و شوق مذهبی در او رو به افزایش است. تفکری منطقی می‌یابد، و از مدرسه اعم از آموزگاران و همسالان تأثیر می‌پذیرد.

کودک در سنین ۸-۶ سالگی تحوّل ریشه‌دار به سوی معنویت می‌یابد. گاهی در تنهایی با خدا حرف می‌زند، دعا می‌کند و از خدا حاجت می‌خواهد. سنین ۱۱-۹ سالگی مرحله خردورزی کودک است. کودک تجاربی را می‌آموزد، برهان‌پذیر می‌شود، از روابط علت و معلول آگاهی می‌یابد و شناخت او از پدیده‌های هستی افزایش پیدا می‌کند. در این سن می‌توان به خوبی و با منطقی درخور سن او با او درباره نماز سخن گفت؛ و علت و فلسفه عبادت را به او تفهیم کرد. اینجاست که شور مذهبی او با شعور می‌آمیزد، و پایه‌های شخصیت دینی او را استوار می‌سازد.
 در پایان مقال از زبان حضرت ابراهیم -